احكام و تعاليم فردى - هدف اصلی زندکی شناساتی حقیقت وصول به کمالات روحانی و خدمت به خلق است

حضرت بهاءالله



**(5) هدف اصلی زندکی شناخت مظهر حقیقت، آراسته شدن به فضائل اخلاقی و خدمت به جمیع خلق می باشد**

* أشهد يا إلهي بأنّك خلقتني لعرفانك و عبادك (حضرت بهاءالله، صلوة صغير)
* علت آفرنش ممکنات حب بوده (حضرت بهاءالله، مائده آسمانی، ج 4، ص 368)
* اساس دين اللّه اکتساب کمالات است و استفاضه از فيوضات مقصد از ايمان و ايقان تزيين حقايق انسانی بفيض کمالات ربّانی است اگر اين حصول نيابد حقيقت حرمان است و عذاب نيران (حضرت عبدالبهاء، گنجینه احکام و حدود، ص 8)
* بهائيان بايد نظر باين امر دقيق نمايند که مانند ساير اديان بعربده و هايُ و هوی و لفظ بيمعنی کفايت ننمايند بلکه بجميع شئون از خصائل و فضائل رحمانی در روش و رفتار نفوس ربّانی قيام کنند و ثابت نمايند که بهائی حقيقی هستند نه لفظ بيمعنی

(حضرت عبدالبهاء، گنجینه احکام و حدود، ص 8)

* بهائی اين است که شب و روز بکوشد تا در مراتب وجود ترقّی و صعود نمايد و نهايت آرزوی هر يک اين باشد که نوعی روش و حرکت نمايد که جميع بشر از آن مستفيض و منّور گردند (حضرت عبدالبهاء، گنجینه احکام و حدود، ص 8)
* نقطه نظرگاهش همواره خُلق و خوی حقّ باشد و روش و سلوکش سبب ترقّيات نامتناهيه گردد بقدر قوّ رحمت عالميان شود و بقدر استعداد موهبت عالم انسان گردد و چون باين مواهب موفّق شود ميتوان گفت که بهائی است

(حضرت عبدالبهاء، گنجینه احکام و حدود، ص 8)

* در اين دور مبارک که فخر قرون و اعصار است ايمان عبارت از اقرار بوحدانيّت الهيّه نه بلکه قيام بجميع شئون و کمالات ايمان است

(حضرت عبدالبهاء، گنجینه احکام و حدود، ص 9)

* سبب حیات ابدیه و عزت سرمدیه و نورانیت کلیه و فوز و فلاح حقیقی اول عرفان الهی است (حضرت عبدالبهاء، مفاوضات، ص 209)
* حصول هر شئي مشروط بسه چيز است : اول دانستن دوم اراده سوم عمل در تحقق هر مسئله جميع اين سه چيز لازم (حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت، ص 54)
* ثانياً محبّة اللّه است که بعرفان حقّ نور محبّة اللّه در زجاجه قلب بر افروزد و اشعّه ساطعه‌اش آفاق را روشن نمايد و وجود انسانرا حيات ملکوتی بخشد و فی الحقيقه نتيجه وجود انسانی محبّة اللّه و محبّة اللّه روح حياتست و فيض ابديست

(حضرت عبدالبهاء، مفاوضات، فد)

* ثالث منقبت عالم انسانی نيّت خير است و نيّت خير اساس اعمال خيريّه است و بعضی از محقّقين نيّت را مرجّح بر عمل دانسته‌اند زيرا نيّت خيريّه نور محض است و از شوائب غرض و مکر و خدعه منزّه و مقدّس (حضرت عبدالبهاء، مفاوضات، فد)
* معرفت مظهر ظهور اگر ثمر و نتيجه‌اش حُسن سلوک و تزکيه اخلاق نباشد از نفوذ و تأثير محروم و نزد اهل دانش و ارباب بصيرت قابل اعتنا نبوده و نيست. چه که اين معرفت معرفت حقيقی نه بلکه صرف توهّم و تقليد است. و همچنين حُسن نيّت و صفای قلب و راستی و صداقت اگر چنانچه از نور شناسائی حقّ محجوب ماند و باقبال بمظهر ظهورش فائز نگردد بالمآل از قوّه دافعه تأييد و امدادات روح القدس که يگانه دافع هموم و کروب اينعالم ظلمانی است ممنوع و از تأثير دائمی و نتائج کلّيّه محروم. فتح و ظفر در اين قرن انور نصيب مؤمن نيک رفتار است نه عالِمِ بدکردار

(حضرت شوقی افندی، گنجینه حدود و احکام، ص 4)